

وقف علمی و تأثیر آن در توسعه فرهنگی بیرجند

الهام ملک‌زاده^۱

اکرم ناصری^۲

نوع مقاله: علمی-ترویجی

شماره صفحه: ۱۴۳-۱۶۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۰

چکیده

در میان گونه‌های مختلف وقف، اعم از سنتی و مدرن^۳، وقف علمی حائز پیشینه‌ی درازدامنه با کارکردهای اجتماعی و فرهنگی است. مطالعات مربوط به تاریخ وقف و امور خیریه در بیرجند مبین وجود شواهد و مصادیق متعدد از اقدامات واقفان علمی در سطوح مختلف فرهنگی-اجتماعی است. مقاله حاضر با هدف بررسی گونه‌ها و مصادیق مختلف وقف علمی در بیرجند با روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است. یافته‌های حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که هویت فرهنگی این شهر، برآیند تکوین و توسعه گونه‌های مختلف وقف علمی در قالب‌های سنتی و مدرن است. دستاورد دیگر این بررسی، حاکی از تنوع پایگاه اجتماعی و جنسیتی واقفان علمی در منطقه می‌باشد که این امر نیز مبین ظرفیت‌های این خطه از نظر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی است.

واژگان کلیدی: وقف علمی، بیرجند، مدرسه شوکتیه

۱. هیأت علمی پژوهشکده علوم تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نویسنده مسؤول

elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir

akram_naseri@yahoo.com

۲. دکترای تاریخ ایران، مدرس دانشگاه بیرجند

مقدمه

یکی از سنت‌های حسنه و مورد تأکید در اسلام، سنت حسنه‌ی وقف و امور خیریه است. فرهنگ وقف و پای‌بندی به این سنت حسنه در بیرجند، از گذشته‌های دور تاکنون جاری و ساری بوده و مصادیق گوناگون وقف سنتی و مدرن در این پهنه‌ی جغرافیایی درخور توجه و امعان نظر است. در میان گونه‌های مختلف وقف و امور خیریه، یکی از مقوله‌های مهم که بخشی از هویت این دیار با آن پیوند تنگاتنگ دارد، وقف علمی است. وقف علمی یک حرکت بنیادی است که به امور خیر پسندیده در جامعه منجر شده و عملی ارزشمند محسوب می‌شود (وقف علم و فناوری، ۱۳۹۵: ۵۸).

اولین و مهم‌ترین کارکرد وقف که از گذشته مورد توجه بود، کارکرد فرهنگی و آموزشی آن است. ابعاد آموزشی و فرهنگی وقف در جوامع اسلامی بسیار گسترده است. وقف به‌عنوان یک منبع مالی در مراکز علمی، از پشتوانه مردمی برخوردار بوده است (همان: ۵۵). نتایج وقف علمی در گذشته تا کنون سبب شده است که امروزه نیز در برنامه‌های کلان کشور، اهمیت این موضوع مورد توجه قانون‌گذاران قرار گیرد. به‌طوری که یکی از برنامه‌های جامع سند برنامه ششم توسعه کشور می‌باشد که در ذیل ماده ۶۵ چنین آمده است: «دولت موظف است با تشویق خیرین و واقفان و رفع موانع موجود، به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کند تا سهم وقف و خیریه از تأمین مالی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فناوری افزایش یابد» (برنامه ششم توسعه کشور، مصوب ۱۳۹۶). در ادامه برای تشویق خیرین به این موضوع نیز آمده است: «خیرینی که طرح‌هایی برای حمایت و توسعه آموزش، پژوهش و فناوری و نوآوری‌های فناورانه به انجام برسانند، مشمول مزایا و حمایت‌های مربوط به خیرین مدرسه‌ساز خواهند شد» (همانجا).

با نگاه به جایگاه وقف علمی و نتایج آن می‌توان بیشتر به پیوند فرهنگ‌سازی و هدایت سرمایه‌های واقفان با ترغیب آنان نسبت به وقف علمی در کشور پی برد و این‌که وقف و موقوفات علمی و آموزشی در توسعه انسانی نقش مهمی داشته است و وجود موقوفات علمی، زمینه‌ساز ایجاد محیطی مناسب برای کسب دانش و آموزش بوده است. با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و روح حاکم بر مردم این خطه و اتصاف بیرجندی‌ها به فرهنگی بودن و فرهنگ‌دوستی، وجود

مصادیق گوناگون وقف علمی در این شهر امری بدیهی به نظر می‌آید. در محدوده خراسان جنوبی حدود ۵۲۹۶ موقوفه و نزدیک به ۱۴۴۴۲ رقبه وقفی وجود دارد که بخش مهمی از موقوفات در این استان و بیرجند، اختصاص به امر آموزش دارد. از دوره صفویه تا کنون نیز رقیبات وقفی این منطقه در قالب وقف بر مدارس علمیه، مدارس علم جدید، مکتب‌خانه‌ها، کتابخانه‌ها، دانشگاه‌ها و طلاب، نقش مهمی در گسترش محافل علمی در منطقه داشته است (فاریابی و شاطری، ۱۳۹۸: ۷۴). مقاله‌ی حاضر با در نظر داشتن کارکردهای گوناگون وقف علمی و نقش آن در توسعه‌ی فرهنگی به بررسی و ارزیابی گونه‌های مختلف وقف علمی در بیرجند اختصاص دارد.

بر این اساس، سؤالات اصلی مقاله‌ی حاضر به‌قرار ذیل‌اند:

- ۱- مصادیق و گونه‌های مختلف وقف علمی در بیرجند کدام‌اند؟
 - ۲- وقف علمی در بیرجند چه تأثیری در توسعه‌ی اجتماعی و فرهنگی این شهر داشته است؟
- بررسی‌های انجام شده پیرامون پیشینه‌ی موضوع حاضر نشان می‌دهد که اگر چه در کتاب‌ها و آثاری که درباره وقف در بیرجند و یا خراسان جنوبی نگاشته شده، اشاراتی به این موضوع وجود دارد، اما در هیچ‌یک از این آثار به‌طور مستقل و متمرکز گونه‌شناسی وقف علمی مد نظر نبوده است. از جمله این آثار می‌توان به کتاب *وقف عالمان و حاکمان در بیرجند و قاینات*، نوشته مفید شاطری و مرضیه فاریابی و *گزیده اسناد وقف خراسان جنوبی* به قلم مفید شاطری اشاره کرد که در مقاله‌ی حاضر در تنظیم مباحث مفهومی و نظری از آنها استفاده شده است. این پژوهش به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی می‌کوشد تا چشم‌اندازی از جایگاه وقف علمی را در بیرجند ارائه دهد.

عوامل مؤثر در تغییر گونه‌های وقف و طبقه‌بندی مؤسسات خیریه

در مطالعات مربوط به وقف، بویژه وقف علمی طبقه‌بندی و نوع‌شناسی شده که در خیلی از علوم و مباحث علمی مطرح است، فواید متعددی نیز دارد. یکی از مهم‌ترین فواید این گونه از مطالعات، آشنایی با کارکردها و دستیابی راحت‌تر به تأثیرات وقف در حوزه‌های مختلف اجتماعی است.

علاوه بر این فایده، فواید دیگری نیز از این دست مطالعات حاصل می‌شود که از خلال مطالعه‌ی آرای نظریه‌پردازان این حوزه می‌توان به آن دست یافت. درباره‌ی نامگذاری و طبقه‌بندی مؤسسات خیریه، نظرات مختلفی وجود دارد که هر یک، یکی از ابعاد این مؤسسات را نشان می‌دهد. در برخی از طبقه‌بندی‌ها، مؤسسات خیریه را به دو دسته‌ی دولتی و مردمی تقسیم کرده‌اند. این تقسیم‌بندی بیشتر بر چارچوب نظریات "بلا"^۱ و "اسکات"^۲ قابل انطباق است. البته دسته‌ای از جامعه‌شناسان تنها قائل به وجود یک نوع مؤسسه خیریه، آن هم در قالب تشکیلات مردمی هستند. بر پایه این دیدگاه، مؤسسات خیریه از مؤسسات جامعه مدنی شمرده می‌شوند و در راستای عدالت اجتماعی مستقل از دولت، بخشی از نیازهای مردم را برآورده می‌کنند. البته در حالی این نیازها برطرف می‌شود که برای مؤسسات مزبور و اشخاص نیازمند جامعه، هرگز رابطه‌ی حق و تکلیف برقرار نمی‌شود. از سوی دیگر، در دوران معاصر پس از رشد نظریه "دولت رفاه"، رفاه اجتماعی از وظایف حاکم تلقی می‌شد که طبیعتاً بین دولت و مشمولان برنامه‌های رفاه اجتماعی، رابطه حقوقی ایجاد می‌کرد. در ایران پس از بروز تحولات اجتماعی و سیاسی در بحبوحه‌ی انقلاب مشروطه، به وظایف دولت توجه ویژه‌ای شد که با مفهوم کلاسیک آن تا اندازه‌ای فاصله گرفت. با استقرار نظام پهلوی و شکل‌گیری دولت مُدرن، توقع از دولت در رابطه با مطالبات مردم معنی یافت و در نتیجه، رویکرد اجرای این وظایف نیز متفاوت شد. در واقع دولت با ارائه خدمات عام‌المنفعه، نظیر بهداشت و آموزش و پرورش و امور عمرانی، به تدریج موظف به توجه به مشکلات اجتماعی و رفاهی مردم شد. بر این اساس، بر خلاف اشکال سنتی امور خیریه، نظیر موقوفات و سازمان‌های خیریه که نقش آنها در دستگیری نیازمندان آزادانه و محدود به امکانات-شان شمرده می‌شد، دولت باید امکانات رفاهی مردم را به‌عنوان نخستین تکلیف حاکمیت سیاسی، متقبل و آن را در دسترس مردم قرار می‌داد (ملک‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۵-۲۶). از آنچه گفته شد، می‌توان به تفاوت عملکرد دو حوزه امور خیریه سنتی با امور خیریه نوین پی برد. هم‌چنین این بحث، ما را با روند دولتی شدن برخی از مؤسسات خیریه نیز آشنا می‌کند. چنان که مطالبی که

گفته شد در زمینه‌ی تغییر رویکردی می‌تواند زمینه‌های پیدایی عرصه‌های جدیدی در امور خیریه که با حضور زنان فعال شود را نیز قابل درک سازد.

مصادیق گوناگون وقف علمی در بیرجند

علل و عوامل متعددی در توجه به وقف علمی در بیرجند و مصادیق گوناگون آن تأثیرگذار بوده است. در میان این عوامل متعدد، باید به ظرفیت‌های فرهنگی این منطقه و سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی، بویژه بینش و منش برخی از واقفان و خیرین این شهر اشاره کرد. در میان عوامل اثرگذار، آگاهی، تدین و باورهای دینی، مسئولیت‌پذیری، حس همدردی اجتماعی واقفان و اقتضائات و نیازهای اجتماعی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد (غوث، ۱۳۹۱: ۳۴).

در مطالعه‌ی گونه‌شناسی و وقف علمی در بیرجند، دو بُعد را باید مد نظر قرار داد. بُعد اول مربوط به انواع موقوفات علمی، کارکردها و تأثیرات آن و بُعد دوم مربوط به واقفان است. در بحث واقفان، علاوه بر طبقه و پایگاه اجتماعی، تحصیلات، انگیزه‌ها و جنسیت مطرح می‌گردد. در هر دو بُعد، یعنی هم از بُعد موقوفات و هم از بُعد واقفان، با یک گستره‌ی متنوع مواجه می‌شویم. برای نمونه، از نظر طبقاتی و پایگاه اجتماعی، در میان واقفان علمی در بیرجند می‌توان به حکام و امرای محلی، نخبگان علمی و توده مردم اشاره کرد. از نظر جنسیتی نیز علاوه بر مردان، زنان این خطه نیز در زمینه‌ی وقف علمی نقش ایفاء کرده‌اند که حدود پنجاه درصد از سهم موقوفات را به خود اختصاص داده‌اند.

از بُعد موقوفات علمی نیز در این شهر می‌توان مصادیق متنوعی چون تأسیس مدرسه، تأسیس کتابخانه، تأسیس اردوگاه فرهنگی جهت دانش‌آموزان، اعانه جهت خرید کتاب، حقوق کتابدار، خرید لوازم‌التحریر برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت، تعلیم کودکان بی‌بضاعت، اعطای کمک هزینه به طلاب و اهدای نسخ خطی را نام برد.

بی‌تردید نهاد وقف در تربیت انسان‌های متعهد و بالندگی فرهنگ دینی مؤثر بوده است. اکثر محققان به جایگاه وقف در گسترش علم و دانش توجه داشته‌اند. بنا بر دیدگاه آنان، وقف می‌تواند

سبب رشد نیروی انسانی شود که خود یکی از عوامل مهم در بهبود توسعه همه‌جانبه است، چرا که بدون افراد تحصیل کرده و آموزش دیده در تمام سطوح، هیچ مهارت و برنامه‌ریزی علمی برای توسعه نمی‌تواند به‌درستی ارائه شود. گذری بر تاریخچه وقف، خود‌گویای این امر است که بخش قابل ملاحظه‌ای از وقفیات به مراکز علمی و آموزشی، نظیر دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز تحقیقاتی اختصاص دارد که خود از رویکرد آموزشی و پژوهشی وقف حکایت می‌کند. به‌طوری که بسیاری از بزرگان جهان اسلام نیز به مدد این موقوفات، از میان طبقه محروم جامعه در مراکز آموزشی رشد کرده و مدارج بالای علمی را کسب کردند.

یکی از آثار و جلوه‌های برقراری تناسب میان اهداف وقف و توسعه علم نیز این است که بتوان استفاده از موقوفات را در مسیر تجاری‌سازی علم و فناوری قرار داد (ثقفی و افتخاری، ۱۳۹۶: ۴۹) و به‌عبارت دیگر، بتوان علاوه بر روش‌های سنتی وقف، نظیر وقف املاک برای کلاس درس، مدرسه و دانشگاه، یا برای پرداخت شهریه طلاب و دانشجویان و مخارج تحصیل آنها از منافع املاک موقوفه، حرکتی با هدف ارتقای علم و دانش ترویج شود و به منصف ظهور برسد (میرهاشمی و سرهنگیان، ۱۳۹۳: ۸۰). این دست اقدامات در مطالعه‌ی گونه‌شناسی و وقف علمی در بیرجند به کرات دیده می‌شود که در ذیل به آن پرداخته خواهد شد.

مدرسه شوکتیه

این مدرسه در ذی‌الحجه ۱۳۲۵ ق. برابر با بهمن ۱۲۸۶ ش. توسط محمدابراهیم علم مشهور به شوکت‌الملک دوم تأسیس شد. بسیاری از کسانی که درباره‌ی مدرسه شوکتیه قلم زده‌اند، افتتاح این مؤسسه آموزشی را «مهم‌ترین، برجسته‌ترین، مؤثرترین و مفیدترین» (ناصر، ۱۳۸۲: ۶۵) رخداد پس از مشروطیت در بیرجند به‌شمار آورده‌اند. این مدرسه را برخی در ردیف مدرسه دارالفنون دانسته‌اند و عده‌ای نیز بعد از دارالفنون، شوکتیه را اولین مدرسه جدیدی می‌دانند که در بیرجند تأسیس شده است. ارشاد سرابی (۱۳۸۷: ۲۰) عقیده دارد که شوکت‌الملک با الهام گرفتن از مدرسه دارالفنون، به فکر ایجاد مدرسه‌ای در بیرجند افتاد. وی برای تأمین درآمد این مدرسه، از محل درآمد موقوفات برادر بزرگش، امیراسماعیل خان شوکت‌الملک اول بودجه‌ای را به

این مدرسه اختصاص داد و برای این کار، موافقت علمای بزرگ بیرجند را اخذ کرد.

امیر اسماعیل خان به علت نداشتن اولاد، برخی از اموال و املاک خود را وقف امور خیریه نمود و تولیت آن را در زمان حیات به برادرش محمدابراهیم خان سپرد. محمدابراهیم نیز پس از برگشت از تهران برای این که ادای دین کرده باشد، تصمیم گرفت که مدرسه‌ای نظیر مدرسه دارالفنون در محل حسینیه شوکتیه، توسط استادان یزدی به نام‌های استاد محمدکاظم و استاد محمدجواد ایجاد کرد (درویش، ۱۳۶۶: ۴۴۵). حتی در این زمان که فردی به نام معدل‌الدوله کاشی برای اخذ مالیات، به سیستان و بیرجند آمد، امیر از او در خصوص مصرف درآمد موقوفات برای تأسیس مدرسه‌ای جدید مشورت گرفت. شوکت‌الملک با تشویق‌های معدل‌الدوله در اتمام تأسیس مدرسه مصمم‌تر شد. به‌دنبال تأسیس مدرسه شوکتیه با راهنمایی‌های معدل‌الدوله، وی اولین معلمان مدرسه را از کاشان انتخاب کرد و به استخدام درآورد (منصف، ۱۳۵۴: ۱۲۷-۱۲۸). در واقع، تا قبل از تأسیس این مدرسه، آموختن علوم به طبقات باسواد جامعه، نظیر روحانیون، وعاظ، مأموران دولتی و کسبه اختصاص داشت و سایرین اجازه تحصیل نداشتند و گاه تحصیل در مدرسه، مختص خوانین بود (درویش، ۱۳۶۶: ۴۴۳) و این خود مهم‌ترین انگیزه‌ای بود که امیر را در جهت عملی کردن اقدامش مصمم‌تر ساخت (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۶۶). متعاقب مدارس شوکتیه بیرجند، مدارس دیگری در قاین، نهبندان، درمیان (آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۸۹۹۸/۱)، سربیشه، دشت بیاض، زیرکوه، گزیک، خوسف، درخش، گل فریز، مود، گیو، موسویه، مختاران، زهان، آبیز و شوسف (آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۷۲۶۹۲/۱) تأسیس شد که هزینه آنها از محل اعتبارات شوکتیه بود. افتتاح چندین دبستان در قاین و جاهای دیگر نیز از دیگر اقدامات امیر بود (تاجبخش، ۱۳۸۲: ۸۳۷). از دیگر این مدارس، می‌توان به مدرسه قدیمی درمیان، مدرسه جعفریه قاین (آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۹۰۱۷/۱) و مدرسه عتیقه زهان (آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۹۷۳۵۵/۱) نیز اشاره کرد. در این مدارس، طلاب به آموزش علوم شرعی

می‌پرداختند و در هر روستا نیز مکتب‌خانه‌هایی رواج داشت که به آموزش قرآن روی می‌آوردند. این اقدام تا آن‌جا پیش می‌رود که سیدمحمد فرزانه به تقاضای شوکت‌الملک دوم برای راه‌اندازی مدارس شوکتیه زابل و زاهدان نیز به این مناطق رهسپار می‌شود و علی‌رغم مخالفت بعضی از افراد و سرداران متعصب منطقه، در این کار موفق می‌شود و توانست اعتماد مردم آن مناطق را هم جلب کند. تأسیس مدارس شوکتی در مناطق مختلف بیرجند سبب شد تا بر تعداد باسوادان افزوده شود و زمینه‌های گسترش آموزش و پرورش در مدارس همجوار را ایجاد کند (بهنیا، ۱۳۸۰: ۲۲۸).

اعتصام‌الملک (۱۳۵۱: ۳۱۹)، نائب اول وزارت امور خارجه در دوره ناصرالدین‌شاه، در ایام مأموریت به بیرجند، در خصوص شمار موقوفات مراکز آموزشی بیرجند می‌نویسد: «در منطقه قائنات، سه مدرسه علمیه وجود دارد. یکی در شهر قاین، یکی در بیرجند و دیگری در بلوک درخش، مدرسه قاین و بیرجند را از نزدیک دیده‌ام و اوضاع مدرسه درخش را نیز از آقامحمدعلی درخشی که به دیدن من آمد، پرسیده‌ام. به هر یک از این مدارس، سالی هفتصد تومان از محصول املاک خودش، وظیفه طلاب می‌دهد».

با تأسیس مدارس جدید، بسیاری از افرادی که فارغ‌التحصیل مدرسه شوکتیه بودند، در نقش معلم به تدریس در مدرسه مشغول می‌شدند و این خود گویای جایگاه این مدرسه در رشد علم در این منطقه است و با تأسیس شوکتیه، آموزش برای دختران که تا آن زمان ممنوع بود نیز میسر شد (گنجی، ۱۳۸۶: ۴۲). اقدامات طبقه روحانیون و مراجع بیرجند، در این زمینه بسیار تأثیرگذار بود. آیت‌الله هادوی جزو اولین مراجعی بودند که دختران خود را برای تحصیل به مدرسه شوکتیه فرستادند. حتی در کنار ایشان، آیت‌الله محمدباقر گزاری نیز فرزندان خود را به این مدرسه فرستادند (منصف، ۱۳۵۴: ۱۱۸) و همچنین در زمینه صرف عواید موقوفات در جهت تأسیس مدارس جدید در منطقه و تحصیل محصلان بیشتر به شوکت‌الملک دوم مشاوره و راهنمایی می‌دادند (زنگویی، ۱۳۸۵: ۳۷). نفوذ روحانی حاج شیخ محمدهادی هادوی و قدرت حاکمه شوکت‌الملک دوم، مورد استقبال شایان اقشار مردم قرار گرفت (آیتی، ۱۳۸۲: ۱۲). همچنین وی از معلمین خارجی برای تدریس در مدرسه دعوت کرد که اغلب این افراد از کنسول

روس، انگلیس و یا بانک شاهنشاهی بودند. از این دست می‌توان به رومینو^۱، سیدرضی خان هندی، ژوزف بریان^۲ و ... اشاره کرد که به علت مأموریت در بیرجند، در آموزش مدرسه شوکتیه هم همکاری می‌کردند (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۲۰).

شوکت‌الملک دوم به جهت تشویق دانش‌آموزان بی‌بضاعت برای آنها حقوق و جیره سالانه معین کرد (منصف، ۱۳۵۴: ۱۱۳؛ راشد محصل، ۱۳۸۸: ۲۴). امیر از محل درآمد موقوفات خود به سی شاگرد، ماهیانه‌ای که عبارت از روزی نیم من گندم و روزی پنج شاهی پول خودش بود، می‌پرداخت و سالی دو دست لباس و دو جفت کفش نیز به هر شاگرد، موظف داده می‌شد و کتاب اکثر شاگردان غیر موظف را مدرسه تهیه می‌کرد. عجب این که روزی پنج شاهی پول، برای زندگی ساده یک نفر محصل کافی بود، زیرا روغن منی پنج قران و گوشت منی پانزده شاهی و سایر مایحتاج به همین نسبت ارزان بود (ایمان، ۱۳۳۹: ۳۴). بررسی زندگینامه مشاهیر علم و ادب و سیاست در این خطه نشان می‌دهد که بیشتر این بزرگان، از تحصیل‌کردگان مدرسه شوکتیه بوده‌اند (علیزاده بیرجندی، ۱۳۸۲: ۵) و این نکته نشانگر تأثیر مدرسه شوکتیه در رشد و بالندگی فرهنگی بیرجند می‌باشد. از سوی دیگر، در کنار توجه خیرین و واقفان به گونه‌های مختلف وقف علمی در قالب‌های سنتی و مدرن که خود مبین ظرفیت‌های این خطه از نظر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی است، از دیگر اقدامات مشاهیر علم و ادب و سیاست این منطقه در تکوین و توسعه این‌گونه موقوفات به شرح ذیل است:

- اختصاص زمینی در شمال اکبری به آموزش و پرورش بیرجند جهت ساخت مدرسه‌ای به نام ابراهیم صهبا (آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۶۹۱۰/۱) و مجتمع آموزشی و ورزشی توسط دفتر صاحبکاری علم در سال ۱۳۵۲ ش. (آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۴۵۰۶/۱).

- مکاتبات انجام شده در مورد واگذاری زمین و تعمیر مدارس گیو و موسویه از سوی امیراسدالله علم در سال ۱۳۲۵ ش. (آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند

شماره ۵۹۲۲/۱).

- گزارش همراهی و کمک اهالی سرچاه تازیان جهت تأسیس مدرسه ملی این روستا و موضوع بودجه مدرسه درخش در سال ۱۳۴۶ش. (آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشيو، سند شماره ۷۲۶۴۲/۱).

مدرسه معصومیه

حوزه علمیه معصومیه بیرجند در سال ۱۱۶۱هـ.ق. توسط امیرمعصوم‌خان خزیمه یکی از فرزندان امیراسماعیل خان خزیمه، از محل موقوفات برادرش، امیرعلم‌خان اول ایجاد شد. این مدرسه محل تربیت طلاب علوم دینی بود که در حجره‌های آن سکونت اختیار کرده و از محل موقوفات امیرعلم‌خان و کمک‌های درسی زندگی می‌کردند (گنجی، ۱۳۸۲: ۳۵؛ بهنیا، ۱۳۸۰: ۳۴۷) که در ذیل به چند مورد از موقوفات وابسته به این مدرسه اشاره می‌شود:

در وقفنامه امیرمعصوم‌خان خزیمه، وقف بیست فنجان آب قنات بیرجند و اراضی تابعه جهت طلاب علوم دینی در سال ۱۱۸۳ق. از جمله موارد مصرف این موقوفه به هزینه طلاب بی‌بضاعت علوم دینی ساکن و غیر ساکن مدرسه معصومیه و رد مظالم نیز اشاره شده است (اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشيو، وقفنامه عادی امیرمعصوم‌خان، کلاسه پرونده الف-۱۹۵، نقل در فاریابی و شاطری، ۱۳۹۸: ۷۵).

علاوه بر بیرجند در توابع و روستاهای اطراف نیز موقوفات متعددی به مدرسه طلاب و کمک هزینه تحصیل آنان اختصاص یافته است. در این زمینه می‌توان از موقوفات درخش و واقفانی که در این عرصه فعالیت داشته‌اند، به شرح ذیل اشاره کرد:

- **وقفنامه زین‌العابدین:** واقف رقبات متعدد برای مدرسه علمیه.

- **وقفنامه ملامحمد بیدسکی:** واقف ۱۱۰ فنجان از فنوآت تنگل و دارکنج بیدسک جهت

مدرسه علمیه درخش.

علاوه بر موارد فوق در بخشی از موقوفات درخش، مربوط به ۱۳۰۳ش. که به تأیید آقا محمدمسیح مجتهد رسیده است، رقباتی در اوجان علیا، فورجان، آسیابان، سراب، ساقدار،

آسومعراج، تیدان و مزار، گلون آباد، شیرگ گل محمد به مدرسه طلاب و کمک هزینه آنان اختصاص داده شده است (شاطری، ۱۳۹۱ الف: ۲۱۲-۲۱۴).

- **وقفنامه آخوند ملاعلی اکبر:** وقف ده فنجان از قنات روستای جومیان به همراه اراضی متعلق به آن بر طلاب علوم دینی در سال ۱۲۴۳ ق. مطابق این وقفنامه متولی می‌بایست هر سال پس از کسر وجوهات ملکی و ده درصد حق‌التولیه، مابقی را در میان طلاب علوم دینی برای مخارج تحصیلی تقسیم کنند (اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقفنامه آخوند ملاعلی اکبر، کلاسه پرونده ع-۱۳۰، نقل در فاریابی و شاطری، ۱۳۹۸: ۷۵).

- **وقفنامه ملاعلی اصغر:** اختصاص چهار سهم از روستای بزقوج علیا جهت تدریس طلاب مدرسه معصومیه بیرجند در سال ۱۲۹۸ ق. (اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقفنامه ملاعلی اصغر، کلاسه پرونده ح-۳۹۲، نقل در همان: ۷۶). ملاعلی اصغر سرچاهی فرزند آخوند ملامحمدحسن سرچاهی مقیم بیرجند بوده، وی فقیهی توانا و مدرسی شایسته در معارف اسلامی در سده چهاردهم قمری است. در خصوص زندگی ملاعلی اصغر در کتاب *بهارستان* به نقل از بغیة الطالب این‌گونه آمده است: «العالم، الفقیه، الابصر، المولی علی اصغر بن المولی محمدحسن سرچاهی، شیخ اجازه احقر و مصنف کتب عدیده است» (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۰۳، نقل در شاطری و فاریابی، ۱۳۹۹: ۲۵۶). در کتاب *طبقات اعلام‌الشیعه*، که دانشنامه‌ای در ۱۷ جلد در شرح احوال و آثار عالمان شیعه از قرن ۴ تا ۱۴ قمری، نوشته شیخ آقابزرگ طهرانی به زبان عربی است، شرح حال وی در جلد ۱۶ این‌گونه آمده است که ترجمه فارسی آن مرقوم می‌گردد: «ملاعلی اصغر سرچاهی، فقیهی دانشمند بود. او از بزرگان روزگار خویش محسوب می‌شد. چه به لحاظ علمی و چه عملی، مرد بزرگی بود هم در ظاهر و هم در باطن. از شخصیت‌های دانشمندی بود که در همه رشته‌های علمی دستی داشت و خود را نشان داد و درخشید. او پیش سیدحسن مدرس اصفهانی و بزرگان دیگر (حوزه اصفهان) درس خوانده بود. امام جمعه و جماعت بود و در میان مردم نام‌آشنا و دارای جایگاه بلند. با اعتبار و عزت و شرافت زندگی کرد، تا آن‌که در میلنه سال‌های دهه اول (قرن چهاردهم) بعد از ۱۳۰۰ قمری از دنیا رفت» (طهرانی، ۱۴۳۰ ق.: ۱۵۷۲، نقل در شاطری و فاریابی، ۱۳۹۹: ۲۵۷). آخوند ملاعلی اصغر

پس از والدش آخوند ملامحمدحسن در مسجد چهاردرخت امامت جمعه و جماعت را عهده‌دار و تولیت برخی موقوفات به وی تفویض می‌شود (شاطری و فاریابی، ۱۳۹۹: همانجا). هم‌چنین وقف ۱۰۰ فنجان آب قنات روستای منجگان بر طلاب مدرسه قدیمه بیرجند، توسط حاج میرفضل‌علی در سال ۱۱۸۰ق. (اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقف‌نامه ملاعلی‌اصغر، کلاسه پرونده ح - ۳۹۲، نقل در فاریابی و شاطری، ۱۳۹۸: ۵۷).

کمک هزینه طلاب مدرسه علمیه بیرجند

واقف امیرعلم‌خان: در وقف‌نامه امیرعلم‌خان (۱۲۶۱ق.) در این زمینه چنین آمده است: «... تمامی مجاری چهل و یک فنجان میاه از قنات جاریه قصبه بیرجند را مع‌الاراضی تابعه و کل مایتعلق بها شرعاً و عرفاً و قدیماً و جدیداً بر طلبه علوم سکنه مدرسه قدیمه قصبه بیرجند که مشغول تحصیل، تعلیم و تعلم علوم دینی باشند و متولی میاه مذکور فرمودند، مدرس مدرسه مذکوره را در هر عصر، هر که باشد. طریقه متولی آن که بعد از وضع وجوعات دیوانی ... تتمه حاصل میاه مذکوره را ... بقسط الشهور ماه‌به‌ماه بر سکنه حجرات که به تحصیل علوم مشغول باشند، تقسیم و تقسیط نماید و چنانچه بعضی از حجرات کسی ساکن نباشد، حصه او را بر سکنه باقی حجرات تقسیم نماید و هرگاه جمیع حجرات سکنه داشته باشد و شخص به قصد تحصیل علم وارد شود، هر یک از طلبه که او را در حجره خود ساکن گرداند، در حصه مجموع طلبه شریک محسوب خواهد بود و اگر متولی ساکن در حجره مدرسه نباشد، بقدر سهم یکی از طلبه ساکنین، هر ساله به او تعلق خواهد داشت» (شاطری، ۱۳۹۱: ۵۳-۵۴).

در این وقف‌نامه می‌توان اهتمام واقف - که از نظر طبقه اجتماعی، در زمره امرای محلی به‌شمار می‌آید - نسبت به طلاب علوم دینی را مشاهده کرد. آنچه که پیرامون نحوه تقسیم عایدات و هزینه‌کرد آن در میان طلاب در وقف‌نامه مذکور آمده، حاکی از دقت نظر واقف در زمینه هزینه‌کرد موقوفه است.

- **واقف حاج‌عبدالعلی‌خان:** یک وقف‌نامه مربوط به حاج‌عبدالعلی‌خان، فرزند حاج‌رضاقلی‌خان، فرزند امیرحسن‌خان، حکمران طبس وکیل‌الدوله بوده است. امیرعلم‌خان سوم دارای چهار فرزند

بوده که از میان آنها یک دختر به نام نواب داشت که به زوجیت پسر عمه‌اش مرحوم حاج عبدالعلی‌خان از اولاد امیرحسن‌خان طبسی درآمد (منصف، ۱۳۵۴: ۲۵). او واقف مدرسه و مسجد بوده است. در خصوص موقوفه وی باید گفت که با توجه به کاربرد چندگانه مدرسه و مسجد، نظیر حسینییه برای عزاداری حضرت سیدالشهدا(ع) و مدرسه برای آموزش طلاب، نکاتی از سوی واقف در مورد مصارف موقوفه ذکر شده است که نشان از اهمیت آن نزد وی در امر آموزش بوده است. او در این موقوفه به موارد زیر اشاره کرده است:

- خرید کتاب سالانه و وقف نمودن آن به کتابخانه مدرسه جهت استفاده طلاب مدرسه؛
- توجه نمودن به قشر ضعیف جامعه و قرار دادن معلم در مدرسه برای آموزش اطفال تهیدست؛
- توجه به پایداری و ماندگاری مدرسه با اشاره کردن به تعمیر همه ساله مدرسه و اجرت برف‌انداز و ناودان؛

- اجرت به مدرسینی که مشغول تحصیل هستند؛
- استخدام خادم و ساکن شدن وی جهت خدمات به مدرسه و طلاب (فاریابی و شاطری، ۱۳۹۸: ۹۰).

محمدهادی هادوی بیرجندی نیز در یک وقفنامه مربوط به سال‌های ۱۳۲۲-۱۳۲۳ق. به تهیه استشهادی مبنی بر وقف املاک توسط حاج‌عبدالعلی‌خان به منظور مصارفی چون امور خیریه و امور فرهنگی، نظیر ساخت مدرسه و برگزاری مراسم تعزیه نیز اشاره کرده است. سند فوق دارای ۲۲ مهر شهود است (آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۲۵۵۳/۱). در این وقفنامه شیخ هادوی دو مرتبه بر صحت وقفنامه تأکید می‌کند (اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقفنامه عادی حاج عبدالعلی‌خان مربوط به سنه ۱۳۱۵ق.، کلاسه پرونده ح-۲۱۲، نقل در شاطری و فاریابی، ۱۳۹۹: ۳۰۲). در جمادی‌الثانی سال ۱۳۲۰ هجری قمری نیز، حاج‌عبدالعلی‌خان املاک متعددی را به مرحوم هادوی مصالحه می‌نماید که بر مصارف مختلف از جمله مدرسه علمیه، مسجد و آب‌انباری که

خود حاج‌عبدالعلی‌خان متصدی ساخت آن بوده، وقف گردد. این موقوفه از جمله موقوفات مهم و دارای رقبات متعدد است (اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی، آرشیو، وقف‌نامه حاج شیخ محمدهادی هادوی حسب‌الصلح حاج‌عبدالعلی‌خان مربوط به سنه ۱۳۲۰ق.، کلاسه پرونده ع-۳۷۳، نقل در شاطری و فاریابی، ۱۳۹۹: ۳۰۳). در سال ۱۳۳۰ قمری هم استشهادنامه‌ای از بزرگان، علماء، اعیان و تجار تهیه شده و طی این امر نوشته شده است که طبق وقف مدرسه و تعمیر آن توسط حاج‌عبدالعلی‌خان، ایشان دست به کار شده و شروع به تعمیر مدرسه کرده‌اند، اما در این بین، فوت ایشان سبب معوق ماندن زمان ساخت مدرسه شده است. افراد و بزرگان بسیاری این امر را تأیید می‌کنند که از جمله آنها شیخ محمدباقر آیتی می‌باشد (اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی، آرشیو، استشهاد موقوفه حاج‌عبدالعلی‌خان مربوط به سنه ۱۳۳۰ق.، نقل در شاطری و فاریابی، ۱۳۹۹: ۳۰۴).

تعلیم کودکان بی‌بضاعت در هریوند

واقف فاطمه‌بیگم بنت مرحوم میرمحمدحسین: در وقف‌نامه فاطمه‌بیگم (۱۳۴۹ق.) چنین آمده است:

«وقف موبد و حبس مخلد نموده، فاطمه‌بیگم، بنت مرحوم میرمحمدحسین، ساکن مزرعه نیک فوق هریوند، همگی و تمامی یک سهم میاه از مزرعه نیک را مع‌الاراضی و اشجار گردو و غیره که مراد شش نهال گردوی واقفه است، بر دوران مکتب‌خانه در هریوند که اطفال یتیم بی‌بضاعت را در هریوند تعلیم قرائت قرآن مجید و کتب فارسیه تا اندازه عایدات ملک مزبور وفا نمود، تعلیم نمایند و تولیت ملک مزبور را تا زمان حیات با خود و بعد حیات خود با اخوی خود، میرمحمودبیک قرار داد و بعد از ایشان با اولاد ذکور متولی و با فقد ذکور و اناث متولی با ملای متدینی که مکتب‌دار باشد در مزرعه هریوند و نظارت ملک مزبور را با آقای عسکری حاجی آقا محمدحسین قرار داد که منافع ملک مزبور تحت نظارت ایشان به مصرف برسد و حق‌التولیه ده یک و حق‌النظاره را هم ده یک قرار داد» (شاطری، ۱۳۹۱ب: ۱۴۶).

وقفنامه مذکور نشان می‌دهد که ظرفیت‌های فرهنگی بیرجند و توابع آن، به گونه‌ای بوده است که بینش و دغدغه‌ها و علایق دینی و علمی یک زن در آن روزگار، او را بر آن می‌دارد تا دارایی خویش را صرف تعلیم کودکان بی‌بضاعت در روستای هریوند نماید. نکته قابل تأمل در این وقف-نامه این است که واقف در کنار تعلیم قرآن به کودکان، آموزش کتاب‌های فارسی را تا به اندازه‌ای که عایدات موقوفه اجازه دهد نیز مدنظر قرار داده است.

ایجاد کتابخانه، خرید کتب، حقوق کتابدار

واقف امیرحسین خان خزیمه: این وقفنامه که مربوط به سال ۱۳۸۰ قمری است، مصارف مربوط به موقوفه - شامل شش دانگ قنات و مزرعه جدیدالاحداث پرویزآباد با تمام ملحقات و متعلقات از اراضی و منازل واقع در بلوک زیرکوه که مدار سهمش بر دوازده و هر سهمی صدویست فنجان بوده - به قرار ذیل ذکر شده است: «... کتابخانه مذکور در هر زمان در محوطه تمرکز خواهد داشت ... و درآمد عین موقوفه را حسب‌المصالح به مصرف تعمیر و ابتیاع کتب مفیده و استنساخ کتبی که کمتر به طبع رسیده و مصارف آب و روشنایی و فرش و اجرت یک نفر خادم که مستحفظ کتابخانه بوده و البته شب‌ها را نیز در همانجا به سر برد و یک نفر مدیر کتابخانه که از اهل علم و سواد و کتابشناسی انتخاب خواهد شد برساند ... از آنجا که منظور از تأسیس این کتابخانه انتفاع و استفاده عموم است در روزهای جمعه و ایام مخصوص نیز مفتوح خواهد بود» (همان: ۱۶۴-۱۶۵).

خرید لوازم‌التحریر جهت دانش‌آموزان بی‌بضاعت خراشاد

واقف پرویز رحیمی خراشاد: واقف شش دانگ یک قطعه زمین را در سال ۱۴۱۱ قمری که به صورت یک درب مغازه درآمد، جهت خرید لوازم‌التحریر دانش‌آموزان بی‌بضاعت مدارس خراشاد که توسط مدیران و مسؤولان مدارس مذکور معرفی خواهند شد، اختصاص داده است (همان: ۱۶۸-۱۶۷).

اردوگاه فرهنگی جهت دانش آموزان

واقف احمد، امان‌الله و سیروس مشار: در سال ۱۴۱۲ قمری، واقفان تمامی ۹۶۶ سهم و دو سوم سهم مشاع از کل ۱۴۴۰ سهم مزرعه و قنات حسن‌آباد واقع در بخش ۷ بیرجند را جهت ایجاد اردوگاه فرهنگی - تربیتی دانش‌آموزان اداره آموزش و پرورش منطقه درمیان و سایر دانش - آموزان کشور و برگزاری سمینارهای علمی در سطح مملکت واگذار نموده است. براساس وقف‌نامه مذکور، واقفان این اقدام را به امید رفع محرومیت از منطقه و زدودن فقر فرهنگی و رشد جریان - های آموزشی، پژوهشی و تربیتی انجام داده‌اند (همان: ۱۷۳-۱۷۴).

اهدای کتب و نسخ خطی ارزشمند توسط سیدمحمد مشکوة

مرحوم مشکوة از مفاخر و شخصیت‌های نام‌آور کشورمان است که شرح احوال وی، تحصیلات، تألیفات و اقدامات علمی او در کتب متعدد از جمله در پژوهش‌های تاریخ محلی بیرجند به تفصیل آمده است.^۱ مهم‌ترین اقدام فرهنگی که در کارنامه علمی سیدمحمد مشکوة ثبت و ضبط شده است، اهدای نسخ خطی کتابخانه شخصی وی به دانشکده حقوق دانشگاه تهران است. بنا بر اظهارات محمدحسن گنجی همین کتب اهدایی، هسته اولیه کتابخانه بزرگ دانشگاه تهران را فراهم آورد (علیزاده بیرجندی، ۱۳۹۲: ۲۵۰). در مورد اهمیت و ارزش این نسخه‌ها، محمدتقی دانش‌پژوه مطالبی را نگاشته و ضمن اشاره به مزیت، برتری و ارزش این کتاب‌ها، این آثار را گواه دانایی و آگاهی گردآورنده دانشمند آن، سیدمحمد مشکوة می‌داند (علیزاده بیرجندی، ۱۳۸۲: ۱۴۲). دانش‌پژوه مزایای این کتاب‌ها را این‌گونه برشمرده است:

- نسخه‌های شاهنامه با آرایش‌های دلپسند؛
- متن‌های نادر فلسفی و کلامی؛
- متن‌هایی که در روزگار مؤلف نوشته شده است؛
- نسخه‌هایی که دارای خط دانشمندان، یا ابلاغ و اجازه آنهاست؛

۱. ر. ک. به: تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند (علیزاده بیرجندی، ۱۳۸۲: ۱۱۲؛ سپهرم، ۱۳۴۱: ۴۰۱).

- متن‌های اخبار که دانشمندان تصحیح نموده‌اند؛
- متن‌های چاپ نشده؛
- متن‌های فقهی به خط مؤلفان؛
- ترجمه پارسی متن‌های فلسفی و ادبی و فقهی و اخبار (دانش‌پژوه، ۱۳۳۲، ج ۳، مقدمه).

اهدای کتب وقفی قرآن

یکی دیگر از مصادیق وقف علمی، اهدا و وقف قرآن و برخی از کتب خطی است. در این زمینه می‌توان به وقف‌نامه‌های متعددی که در منطقه‌ی درمیان موجود است، اشاره کرد. در این منطقه به دلیل وجود مدرسه علمیه و پایبندی به فرهنگ وقف، قرآن‌ها و کتب خطی متعددی وقف شده‌اند. اسامی برخی از واقفان قرآن و کتب خطی در منطقه فوق‌الذکر در ذیل آمده است:

- میرزا محمدرفیع‌خان، وقف دو جلد قرآن بر مسجد علیای قریه درمیان در سال ۱۲۸۶ق؛
- وقف قرآن خطی توسط محمدحسین بن شیخ محمدحسن‌خان جامی‌الاحمدی بر طلاب مدرسه علمیه درمیان در سال ۱۲۹۰ق؛
- وقف قرآن خطی بر مدرسه علیای درمیان در سال ۱۳۰۷ق. توسط والده کربلایی محمدقلی‌خان؛

- وقف کتابی در آموزش قرآن کریم به سبک مکتب‌خانه و حوزه‌های علمیه قدیم توسط حاجی میرزا عظامحمدخان (نوه میرزا رفیع‌خان دوم).

مدارس علمیه درمیان از قدیمی‌ترین مدارس علمیه در منطقه است که تا قبل از سال ۱۲۹۰ شمسی که اولین دوره آموزش‌های رسمی در درمیان برگزار شد، از مراکز مهم آموزشی محسوب می‌شده، به طوری که موقوفات، کتب و قرآن‌های خطی وقف بر مدرسه، نشان از قدمت این مدرسه دارد. وجود قرآن‌ها و کتب خطی وقفی مربوط به سال‌های ۱۲۸۶ و ۱۲۹۸ قمری از اختصاص وجود یک سهم موقوفه از محمدآباد طبس مسینا برای این مدرسه خبر می‌دهد (شاطری، رفیعی و نجاتی، ۱۳۹۴: ۱۵۷).

- وقف کتاب خطی شرح عقاید النسفی^۱، موضوع این کتاب همان طور که از نام آن برمی آید، عقاید است که در مدرسه درمیان تدریس می شده است. این کتاب نوشته‌ی عمرالنسفی از علمای اهل سنت است (همانجا: ۱۴۴).

- وقف کتب خطی به مدرسه جعفریه زهان که یکی از مدارس بسیار قدیمی در زهان است و قدمت تأسیس آن به اواخر عهد صفوی می‌رسد. در دوره افشار و زند کتابخانه مدرسه جعفریه زهان اهمیت زیادی پیدا کرد. در آن دوران نسخ خطی بسیاری از سوی خیران بر کتابخانه وقف شده که در حاشیه این نسخ خطی، به اسم واقف یا به نام مدرسه علمیه تصریح شده است (عباسی، ۱۳۹۷: ۱۴۷). وجود مدرسه علمیه زهان و جوّ مذهبی منطقه در ادوار مختلف تاریخ، سبب ماندگاری سنت دینی و مردمی وقف بوده است. اوقاف زهان در کنار مصارف وقفی برای ایام محرم و مراسم روضه‌خوانی امام حسین (ع)، بیشتر مربوط به اقدامات فرهنگی است، نظیر وقف کتاب برای طلاب حوزه علمیه. قدیمی‌ترین کتب موجود وقف شده بر مدرسه علمیه زهان، مربوط به عهد شاه‌طهماسب دوم صفوی است که از اواسط قرن ۱۲ قمری به بعد، یعنی حدود ۳۰۰ سال پیش، این سنت در دوره‌های مختلف در زهان تداوم داشته است. شایان ذکر است که با توجه به این‌که صفویان، مذهب تشیع را در کشور رسمی اعلام کردند و به‌دنبال توسعه مذهبی امامیه از طرق مختلف، از جمله تأسیس مدارس علمیه بودند، منطقه قهستان را مناسب این مهم دیدند (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۴۱۷).

نتیجه

ظرفیت‌های فرهنگی بیرجند، منش واقفان و باورهای اعتقادی، از جمله عواملی است که در شکل‌گیری گونه‌های مختلف وقف علمی در بیرجند دخیل بوده است. عمده‌ترین مصادیق وقف علمی را می‌توان در تأسیس مدارس علمیه و مدارس جدیدی چون شوکتیه، پرداخت کمک هزینه تحصیلی به طلاب، تعلیم کودکان بی‌بضاعت، ایجاد کتابخانه، خرید کتب، پرداخت حقوق کتابدار،

خرید لوازم التحریر جهت دانش‌آموزان بی‌بضاعت، ایجاد اردوگاه فرهنگی جهت دانش‌آموزان، اهدای کتب و نسخ خطی و وقف قرآن ملاحظه کرد. موارد فوق مبین تنوع گونه‌های مختلف وقف علمی در این شهر می‌باشد. علاوه بر این مصادیق متنوع که در بالا بدان اشاره شد، واقفان علمی در این خطه از نظر جنسیت، پایگاه اجتماعی و تحصیلات نیز از تنوع و تکثر برخوردارند. این نکته خود نشان دهنده ظرفیت‌های بالای منطقه از بُعد سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی است. در مجموع می‌توان گفت که هویت فرهنگی بیرجند، تا حد زیادی مرهون تلاش‌های واقفان علمی در این عرصه می‌باشد.

منابع

- آیتی، ابوالحسن (۱۳۸۲). *خاطراتی از بیرجند و رویدادهای سیاسی*. بیرجند: رزقی.
- ارشاد سرابی، اصغر (۱۳۸۷). "مدرسه شوکتیه بیرجند: چگونگی تأسیس، آموزش، کتاب‌ها، معلمان و امتحانات". *آینه پژوهش*، دوره ۱۹، ش ۵ (بهمن و اسفند): ۲۰-۲۷.
- اعتصام‌الملک، خانلرخان (۱۳۵۱). *سفرنامه میرزاخانلرخان اعتصام‌الملک*. به کوشش منوچهر محمودی. تهران: بی‌نا.
- ایمان، رحیم علیخان (۱۳۳۹). *تذکره منتخب اللطائف*: تهران: تابان.
- برنامه ششم توسعه کشور، مصوب ۱۳۹۶.
- بهنیا، محمدرضا (۱۳۸۰). *بیرجند، نگین کویر*. تهران: دانشگاه تهران.
- تاجبخش، احمد (۱۳۸۲). *تاریخ تمدن و فرهنگ ایران*. شیراز: نوید.
- ثقفی، فاطمه؛ افتخاری، حسین (۱۳۹۶). "تبیین مهم‌ترین چالش‌ها و عوامل موفقیت تجاری-سازای دستاوردهای پژوهشی". *نشر مدیریت فردا*، دوره پانزدهم، ش ۵۰ (بهار): ۴۷-۶۸.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۳۲). *فهرست کتابخانه اهدایی سیدمحمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران*، ج ۳. تهران: دانشگاه تهران، مرکز اسناد.
- درویش، جمشید (۱۳۶۶). *بررسی موانع و عوامل پیشرفت‌های فرهنگی و آموزشی سیستان و بلوچستان و جنوب خراسان*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- راشد محصل، محمدرضا (۱۳۸۲). *جستاری در تاریخ، فرهنگ و آموزش نوین بیرجند*. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۸). *از شوکتی تا دولتی*. به کوشش محمود رفیعی. تهران: هیرمند.
- زنگویی، حسین (۱۳۸۵). *شاعران قهستان*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- سپهرم، امیرمسعود (۱۳۴۱). *تاریخ برگزیدگان و عده‌ای از مشاهیر ایران و عرب*. تهران: زوار.
- شاطری، مفید (۱۳۹۱ الف). *جغرافیای تاریخی و فرهنگی درخس*. مشهد: پاپلی.
- _____ (۱۳۹۱ ب). *گزیده اسناد وقف خراسان جنوبی*. تهران: فکر بکر.

- شاطری، مفید؛ فاریابی، مرضیه (۱۳۹۹). *وقف عالمان و حاکمان در بیرجند و قاینات*. بیرجند: چهاردرخت.
- شاطری، مفید؛ رفیعی، محمود؛ نجاتی، بهناز (۱۳۹۴). *درمیان‌نامه، با اشاراتی به فورگ*. بیرجند: چهاردرخت.
- طرفداری، علی محمد (۱۳۹۱). *جستارهایی درباره بیرجند*. به اهتمام محمود رفیعی. تهران: هیرمند.
- عباسی، علی اکبر (۱۳۹۷). *زهان، دیار یاقوت سرخ: تاریخچه و آثار تاریخی*. بیرجند: صبح امروز.
- علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۸۲). *تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند*. بیرجند: رزقی.
- _____ (۱۳۹۲). *جستاری در احوال و مفاخر خراسان جنوبی*. تهران: فکر بکر.
- غوث، کمال (۱۳۹۱). *گنج‌نامه ناحیه هردنگ*. تهران: فکر بکر.
- فاریابی، مرضیه؛ شاطری، مفید (۱۳۹۸). "کارکردهای آموزشی موقوفه حاج عبدالعلی خان در شهر بیرجند". *مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان*، سال چهاردهم، ش ۱ (پاییز): ۷۵-۹۳.
- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷). *مدارس جدید در دوره قاجاریه، بنیان و پیشه‌وران*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- گنجی، محمدحسن (۱۳۸۲). "بیرجند در ۱۳۰۰ شمسی". در: *جستاری در تاریخ، فرهنگ و آموزش نوین بیرجند*. به کوشش محمدرضا راشد محصل. بیرجند: رزقی.
- _____ (۱۳۸۶). *به سان رود*. بیرجند: پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری شهر تاریخی بیرجند.
- ملک‌زاده، الهام (۱۳۹۲). *مؤسسات خیریه رفاهی- بهداشتی در دوره رضاشاه*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- منصف، محمدعلی (۱۳۵۴). *امیر شوکت‌الملک علم، امیر قاین*. تهران: امیرکبیر.
- میرهاشمی، زهراسادات؛ سرهنگیان، محمد (۱۳۹۳). "امکان استفاده از نهاد وقف در تجاری- سازی دانش و فناوری و الگوهای پیشنهادی آن". *سیاست‌های مالی و اقتصادی*، سال هشتم،

ش ۲ (زمستان): ۶۳-۸۲.

- ناصح، ذبیح‌الله (۱۳۸۲). "افتتاح دبستان شوکتی". در: جستاری در تاریخ، فرهنگ و آموزش نوین بیرجند. به کوشش محمدرضا راشد محصل. بیرجند: رزقی.

- وقف علم و فناوری (۱۳۹۵). دفتر همکاری های علمی و امور نخبگان شهید فهمیده منطقه شمال شرق با همکاری اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان رضوی. مشهد: دبیرخانه کمیته یاوران وقف علم و فناوری.

اسناد

- آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۲۵۵۳/۱

- آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۴۵۰۶/۱

- آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۵۹۲۲/۱

- آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۶۹۱۰/۱

- آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۸۹۹۸/۱

- آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۹۰۱۷/۱

- آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۷۲۶۴۲/۱

- آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۷۲۶۹۲/۱

- آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۹۷۳۵۵/۱

- اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقف‌نامه آخوند ملاعلی‌اکبر، کلاسه پرونده ع-۱۳۰.

- اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقف‌نامه حاج شیخ محمدهادی هادوی حسب‌الصلح حاج عبدالعلی خان مربوط به سنه ۱۳۲۰ق.، کلاسه پرونده ع-۳۷۳.

- اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقف‌نامه عادی امیرمعصوم‌خان، کلاسه پرونده الف-۱۹۵.

- اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقف‌نامه عادی حاج‌عبدالعلی خان مربوط

به سنه ۱۳۱۵ق.، کلاسه پرونده ح-۲۱۲.

- اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقف‌نامه ملاعلی اصغر، کلاسه پرونده

ح-۳۹۲.

- اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، استشهاد موقوفه حاج عبدالعلی خان

مربوط به سنه ۱۳۳۰ق.